بازتاب صدای زنان ایران و افغانستان در هشتم مارس، روز جهانی زن

نویسنده: نظیفه حبیبی

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



روز جهانی زن، فرصتی است برای بازتاب صدای زنانی که سال‌هاست برای حقوق پایمال‌شده‌شان مبارزه می‌کنند. ایران و افغانستان دو کشور با پیشینه فرهنگی مشترک‌اند؛ ادبیات و تاریخ این دو کشور به هم پیوند خورده و زنان این دو سرزمین در بستری مشترک برای دستیابی به حقوق غصب شده‌اشان با مقاومت و نبردی جانکاه به پیش می‌تازند.

یکی از سنت‌های ریشه‌دار در هر دو جامعه، زن‌ستیزی‌ای است که با قرائت‌های سخت‌گیرانه‌ی مذهبی درآمیخته است. بستر ناعادلانه‌ای که دین برای زیر فشار قرار دادن زنان فراهم کرده، رهایی از این گرداب هولناک را برای آنها سخت تر کرده است.

زنان چوب نادانی و تعصب مذهبی را دوبار بر گرده‌اشان تحمّل می‌کنند. یکبار با ضرباتی که مردان به عنوان حامیان و محافظان دین بر سر و روی آنها فرود می‌آورند و یکبار هم بدلیل اسارتشان در تار و پود عقب ماندگی فکری و باورهای کوری که خود در آن غوطه ورند.

از این رو مبارزه با سنت‌گرایی افراطی و عقب ماندگی فکری در میان زنان از شتابی چشمگیر برخوردار است. زنان در ایران و بخصوص نسل جدید سنگرهای مدرنیته را یکی پس از دیگری فتح می‌کنند. مبارزه با حجاب اجباری و به چالش کشیدن باورهای دینی و عقیدتی و نیز پاسداری از ذهن خلاق و پرسشگر طرفدارانش به شدت رو به ازدیاد است.

زنان جرئت فکر کردن پیدا کرده و با تلاش و تحصیل علم به استقلال مادی و معنوی رسیده‌اند. سالهاست که در تمام پهنه‌های اجتماعی صاحب چهره‌های برجسته‌ای شده و در مواقعی از مردان با فاصله بسیار زیاد پیشی گرفته‌اند. آنها دیگر به راحتی قیمومیّت دیگری را برنمی‌تابند و حاضر نیستند استقلال بدست آورده را به بهایی ناچیز از دست بدهند.

در افغانستان اما فشار بر زنان به‌مراتب سنگین‌تر است. دختران افغانستانی اجازه تحصیل ندارند و زنان خانه نشین شده‌اند. بسیاری از مردان افغانستانی در برابر این بی عدالتی که به زنان تحمیل شده است، سکوت کرده و عکس العمل

شایسته‌ای از خود نشان نمی‌دهند. آنها بدلیل نادانی، تعصب و مردسالاریِ فرومایه به مهره‌های خطرناک این چرخه‌ی ویرانگر بدل شده‌اند.

جنبش زنان در ایران تأثیر بسیار زیادی روی زنان افغانستانی گذاشته است. مبارزات مردم ایران و بخصوص اعتراضات میلیونی دی ماه و کشتار فجیعی که در بهمن ماه ۱۴۰۴ صورت گرفت، مردم کشورهای اسلامی را با سؤالات چالش برانگیز زیادی روبرو کرده است. آنها ایدئولوژی راهنمای این فجایع انسانی را به واکاوی نشسته‌اند. و کم کم به این باور می‌رسند که این درخت موریانه گرفته را از ریشه هَرَس کنند. خیل عظیم زنان و جوانان افغانستانی که با مردم ایران همدلی می‌کنند بسیار تأمّل برانگیز و ستودنی است. آنها امروز یکدیگر را فرامی‌خوانند که از ایرانیها درس اتّحاد بیاموزند. و شاید در فردایی نه چندان دور به این شناخت برسند که راه طی شده‌ی مردم ایران را پی بگیرند.

هم‌دلان، من یک زن افغانستانی هستم و از کابل می‌آیم. با تو که ایرانی هستی و از مشهد و تبریز و کرمان و سنندج و زابل و کردستان و خوزستان و بیرجند و دزفول و یزد و... می‌آیی!

هم‌صدایم. دستم را در دستت می‌گذارم تا همدست شویم. ما با هم، هم داستانیم!